



پیش‌ها و پاسخ‌ها

کد پرسش: ۵۲

عقاید

شناخت خلیفه‌ی خداوند در زمین
طریقه‌ی شناخت خلیفه‌ی خداوند در زمین
(معجزه و نص)

عقاید

شناخت خلیفه‌ی خداوند در زمین
احوال منصور و زمینه‌سازی او برای ظهور مهدی

پرسش کننده: حسن علی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره پرسش: ۱

تاریخ پرسش: ۱۳۹۴/۴/۵

چند سؤال:

۱. در صفحه ۱۷۰ کتاب، کلمه «اذن خدا» در دو سطر هشتم و چهاردهم دقیقاً منظور چیست و از کجا معلوم شده که جناب منصور و همراهانشان چنین اذنی دارند و دیگرانی مثل آقای فلانی [یکی از حاکمان ایران] چنین اذنی نداشته‌اند؟ لطفاً صریح و قاطع و بدون مسامحه بفرمایید.
 ۲. [در رابطه با] صفحه ۲۴۰ کتاب [که گفته‌اند هر چه بیشتر در پی مردمان شایسته گشته‌ام کمتر یافته‌ام]، تاکنون به کجاها سفر نموده و با چه یا بهتر بگوییم چگونه شخصیت‌هایی ملاقات نموده‌اند که به این نتیجه رسیده‌اند که گویا زمین از مردمان شایسته خالی است؟!؟
 ۳. در صفحات ۲۵۵ و ۲۵۶ با استفاده از آیات قرآن استنباط کرده‌اید که حاکمان فعلی همگی! طاغوت هستند و از جمله آقای فلانی! لطفاً با صغرا و کبرای کامل و روشن و با استدلال صحیح و بی‌نه روشن بفرمایید چگونه ایشان همگی طاغوت هستند و شما به مهدی دعوت می‌کنید؟
 ۴. در صفحه ۲۷۴ دو خط مانده به آخر کلمه «آیتی قطعی» استفاده شده است! آیا می‌توانم سؤال کنم آیت قطعی جناب منصور از طرف حضرت مهدی چیست؟
- با تشکر و امتنان؛ بنده قصد دارم اگر تغییر مسیری دادم همان هجرت الی الله باشد و نمی‌خواهم که تغییر مسیرم بدون شناخت کافی باشد. لذا عذر بنده در پرسش این گونه سؤالات را بپذیرید و ادعایی هم ندارم با بضاعت مزجات دانش خودم سؤالاتم برخاسته از درک بالاییم بوده باشد، بلکه اذعان کامل دارم فهم خودم قاصر است و گرنه هم جملات [کتاب] گویا و جامع و هم گوینده تواناست.

پاسخ به پرسش شماره: ۱

تاریخ پاسخ به پرسش: ۱۳۹۴/۴/۶

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. مراد از «اذن خداوند» نصب اوست که از طریق نصّ پیامبر یا آیتی بی‌نه معلوم می‌شود و مبنای مشروعیت حکومت در اسلام است و با این وصف، برای کسانی ضرورت دارد که

حکومت می‌کنند یا به سوی حکومت خود فرا می‌خوانند، مانند حاکمان ایران، نه برای جناب علامه منصور هاشمی خراسانی که نه حکومت می‌کند و نه به سوی حکومت خود فرا می‌خواند، بلکه دعوت‌کننده‌ای به سوی حکومت مهدی است. روشن است که دعوت به سوی حکومت مهدی، از مصادیق حکومت نیست تا به اذن خاص خداوند نیازی داشته باشد، بل از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است که مانند نماز و روزه و حج، با اذن عام خداوند انجام می‌شود و خلط آن دو با یکدیگر، از بزرگ‌ترین مغالطات است.

اما پرسش جناب‌عالی درباره‌ی اینکه از کجا معلوم فلان حاکم ایران چنین اذنی نداشته، عجیب است؛ زیرا واضح است که اصل بر عدم وجود چنین اذنی است مگر اینکه وجود آن ثابت شود و با این وصف، عدم ثبوت وجود آن، به معنای عدم آن است؛ همچنانکه حاکم مذکور، خود نیز مدعی وجود آن نبوده است.

۲. البته ایشان به جاهای بسیاری سفر کرده و با شخصیت‌های بسیاری گفتگو فرموده است و همچنان به این کار ادامه خواهد داد، ولی برای درک کم بودن مردمان شایسته در جهان، به استقراء تام جاها و شخصیت‌ها نیازی نیست؛ چراکه خداوند از این واقعیت تلخ خبر داده و آثار و تبعات آن مشهود است. آیا جناب‌عالی معتقدید که جهان از مردمان شایسته آکنده است؟! چگونه؟! در حالی که خداوند به روشنی فرموده است: ﴿فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ﴾ (بقره/ ۸۸)؛ «پس اندکی از آنان ایمان می‌آورند» و فرموده است: ﴿فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (نساء/ ۱۵۵)؛ «پس جز اندکی از آنان ایمان نمی‌آورند» و فرموده است: ﴿تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ﴾ (بقره/ ۲۴۶)؛ «روی گرفتند مگر اندکی از آنان» و فرموده است: ﴿وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ﴾ (هود/ ۴۰)؛ «و با او ایمان نیاوردند مگر اندکی» و فرموده است: ﴿وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ﴾ (واقعیه/ ۱۴)؛ «و اندکی از آیندگان» و فرموده است: ﴿وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ﴾ (سبأ/ ۱۳)؛ «و اندکی از بندگانش شکرگزارند»؛ چنانکه شرق و غرب از ظلم آکنده شده و جهل و کفر و فساد بر جهان حاکم است. وانگهی اگر شماری کافی از مسلمانان بودند که از مهدی در صورت ظهورش حمایت کنند، بدون شک آن حضرت ظهور می‌کرد، ولی واقع آن است که شماری کافی از آنان وجود ندارند و جناب منصور در صدد ایجاد آنهاست و این کار را با گردآوری و تربیت استعدادها انجام می‌دهد که امید می‌رود شما یکی از آنها باشید.

۳. چنانکه بارها «با صغرا و کبرای کامل و روشن و با استدلال صحیح و بینه‌ی روشن»

توضیح داده شده است، حاکمان فعلی هیچ یک با اذن خداوند حکومت نمی‌کنند و هر حاکمی که با اذن خداوند حکومت نمی‌کند طاغوت است و با این وصف، حاکمان فعلی همگی طاغوت‌اند. دلیل مقدمه‌ی نخست مشهود و وجدانی است؛ چراکه هیچ یک از حاکمان فعلی دارای نصّی خاص از جانب پیامبر و آیتی بیّنه از جانب خداوند نیستند و با این وصف، منصوب از جانب خداوند شمرده نمی‌شوند و خود نیز چنین ادّعایی درباره‌ی خود ندارند و اصل نیز بر عدم انتصاب آنان از جانب خداوند است؛ خصوصاً حاکم مورد اشاره‌ی جناب‌عالی که علی‌رغم نداشتن نصّی خاص از جانب پیامبر و آیتی بیّنه از جانب خداوند، مدّعی ولایت مطلقه بوده و اطاعت از خود را مانند اطاعت از خلفاء خداوند واجب می‌شمرده، بلکه آشکارا حفظ حکومت خود را از حفظ مهدی مهم‌تر می‌دانسته؛ چنانکه بدون تعارف و ملاحظه می‌گفته است: «حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر ولو امام عصر باشد اهمیتش بیشتر است» (صحیفه‌ی نور، ج ۱۵، ص ۲۲۱) و این مستلزم جواز قتل آن حضرت برای حفظ جمهوری اسلامی است که از تعارض آن دو با یکدیگر بر می‌خیزد؛ همچنانکه عموم طاغوت‌های گذشته، همین نظر را می‌داشتند و حفظ حکومت خود را از حفظ ائمه‌ی اهل بیت مهم‌تر می‌دانستند و برای تحصیل آن، به قتل آنان اقدام می‌کردند و دلیل مقدمه‌ی دوم در مبحث «اختلاف مسلمانان»، «حاکمیت غیر خداوند» و «توحید خداوند در تحکیم» با تکیه بر منابع یقینی اسلام تبیین شده است.

اما دعوت جناب منصور به سوی مهدی واقعیتی عینی بر روی زمین است که در گفتارها و نوشتارهای ایشان مشهود است و محور اقدامات فرهنگی ایشان در خراسان شمرده می‌شود. با این وصف، بفرمایید که اگر دعوت این بزرگوار به اجتماع شماری کافی از مسلمانان برای حمایت از مهدی و گرفتن بیعت از آنان برای او، دعوت به سوی او شمرده نمی‌شود، پس دعوت به سوی او چگونه است؟! بلکه به عبارت دقیق‌تر بفرمایید: اگر دعوت به سوی مهدی دعوت به سوی مهدی نیست، پس دعوت به سوی مهدی چیست؟! بی‌گمان عدم التزام به معیار شناخت و ابتلا به موانع آن خصوصاً تعصّب، انسان را به بی‌انصافی و انکار محسوسات سوق می‌دهد.

۴. در خطوط مورد اشاره‌ی شما آمده است که مهدی یا خود برای جهاد مسلحانه به همراه مردم اقدام می‌فرماید و یا «فرستاده‌ای از جانب خود را با آیتی قطعی به نزد آنان می‌فرستد».

آیا جناب منصور هاشمی خراسانی مدعی شده فرستاده‌ای از جانب مهدی برای جهاد مسلحانه به همراه مردم است که جناب‌عالی می‌پرسید: «آیت قطعی ایشان از طرف مهدی چیست؟! از جناب‌عالی که علاقه‌ی فراوانی به صغرا و کبرا دارید بعید است که این گونه به مغالطات فاحش دست بیالایید! البته اگر زمانی مولایمان مهدی مصلحت دید و جناب منصور را برای جهاد مسلحانه به همراه مردم برانگیخت، بی‌گمان برای او آیتی قطعی قرار خواهد داد؛ چراکه او از هر گونه رجس پاکیزه است و تبعاً کار واجب را ترک نمی‌کند و با این وصف، نگرانی از این بابت بیهوده است.

اما فرمایش پایانی جناب‌عالی، نشان از حسن نیت شما و تواضعتان در برابر حق است و این توفیق بزرگی است که خداوند به شما ارزانی داشته است و امید می‌رود که شما را با آن هدایت کند؛ زیرا او کسانی را به حق هدایت می‌کند که حسن نیت و تواضع دارند و متکبران را در گمراهی وا می‌گذارد؛ چنانکه فرموده است: ﴿سَأَصْرِفُ عَنِ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلِمًا آيَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ۚ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ﴾ (اعراف / ۱۴۶)؛ «آیات خود را از کسانی که در زمین به غیر حق تکبر می‌ورزند باز خواهیم داشت و اگر هر آیتی ببینند به آن ایمان نیاورند و اگر راه رشد را ببینند آن را راه خود نگیرند و اگر طریق گمراهی را ببینند آن را طریق خود بگیرند، آن به این سبب است که آیات ما را تکذیب کردند و از آن غافل بودند!» باری تواضع شما در برابر حق، توفیقی است که خداوند به شما داده است و اگر بخواهد شما را با آن هدایت می‌کند و خوشا به حال آنان که به حق هدایت پیدا می‌کنند.

تاریخ تعلیق: ۱۳۹۶/۴/۱۹

نویسنده‌ی تعلیق: حسن علی

تعلیق شماره: ۱

با عرض خدا قوت، به عرض می‌رسانم که بنده از پاسخ‌های شما قانع شدم، ولی این بدان معنی نمی‌باشد که سؤال دیگری نداشته باشم یا در مورد موضوعات مطرح شده هیچ سؤال دیگری ننمایم. فلذا هر چند می‌دانم موجبات زحمات شما را فراهم می‌نمایم، ولی قبول بفرمایید برای برطرف شدن هر گونه شبهه و شکی باید سؤالاتم را بپرسم. ضمناً برای بنده بیشتر از پاسخ، همین توجه به سؤال است و در بیشتر موارد داشتن روحیه پاسخ به سؤال و



تعهد به پاسخگویی برای اقناع طرف مقابل کافی است، هر چند رفع شبهه نیز باید انجام گیرد. توفیق خدمت‌گزاران دین را از خداوند مسألت داریم. ملتمس دعا

پاسخ به تعلیق: ۱

تاریخ پاسخ به تعلیق: ۱۳۹۴/۴/۲۰

از توفیقات خداوند مهربان به این پایگاه علمی و اسلامی آن است که تاکنون هیچ پرسشی برایش ارسال نشده مگر اینکه در کوتاه‌ترین زمان ممکن و با استناد به محکم‌ترین ادله‌ی عقلی و شرعی به آن پاسخ داده و این رویه‌ی مبارکی است که تحت عنایات عالم کامل حضرت منصور هاشمی خراسانی و با همت اساتید برجسته و مخلص در بخش پاسخگویی به پرسش‌ها ادامه خواهد یافت ان شاء الله. با این وصف، جناب‌عالی می‌توانید آزادانه و بدون نگرانی، پرسش‌های خود را با ما در میان بگذارید؛ چراکه پرسیدن کلید دانایی است، هرگاه با هدف دانستن باشد، نه با هدف مجادله و ممارات؛ با توجه به اینکه پرسیدن با هدف مجادله و ممارات، وقت را ضایع می‌کند و نیرو را هدر می‌دهد و فایده‌ای در پی ندارد؛ همچنانکه کنجکاو‌ی درباره‌ی چیزهایی که نیازی به آگاهی از آن‌ها نیست یا ظرفیتی برای درک آن‌ها وجود ندارد، پسندیده نیست و مورد نهی خداوند است؛ آنجا که فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ ... قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ﴾ (مائده/ ۱۰۱ و ۱۰۲)؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! از چیزهایی نپرسید که اگر برایتان آشکار شود شما را بد می‌آید ... پیش از شما قومی آن را پرسیدند و سپس به آن کافر گردیدند!»

خداوند همه‌ی مسلمانان را از جهل‌رهایی دهد و به علم برساند؛ چراکه فقری دامن‌گیرتر از جهل و ثروتی گران‌بهارتر از علم نیست.

دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی
بخش پاسخگویی به پرسش‌ها

